



## The Shia Organization as an International System Non-State Actor

Shahroz Shariati<sup>1</sup> | Ali Nematpour<sup>2</sup>

1. Corresponding Author, Associate Professor, Department of Political Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. Email: [shariati@modares.ac.ir](mailto:shariati@modares.ac.ir)  
2. Postdoctoral Research Fellow, Department of Political Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran /Ph.D. Department of Politics and International Relations, Florida International University, Miami, USA. Email: [a.nematpour@gmail.com](mailto:a.nematpour@gmail.com)

### Article Info

#### Article type:

Research Article

#### Article history:

Received: 06 July 2023

Received in revised form: 13 August 2023

Accepted: 19 August 2023

Published online: 25 October 2023

#### Keywords:

Shia, Faith-based Diplomacy, Non State Actors (NSA), Political Culture.

### ABSTRACT

The advent of non-state organizations and their involvement in the global arena since the end of the Cold War have brought about substantial changes in the comprehension of public diplomacy and its role within world systems. By conducting an examination of the influencers present in Shia doctrines, this study seeks to clarify the aspects of “faith-based diplomacy” and offer guidance on how the Shia clerical institution can further its diplomatic objectives internationally. From a theoretical standpoint, the study places significant emphasis on the notion of balance of power in its examination of the trajectory of Shia diplomacy. The article examines the theoretical inquiry into the manner in which public diplomacy operates within the Shia faith to further its objectives and establish equilibrium beyond the confines of nation-states. This study aims to examine the hypothesis that the public diplomacy practices of the Shia faith are grounded in the consensus reached by its adherents concerning the fundamental principles and underpinnings of Shia political culture, namely Imamate and justice. By utilizing three distinct forms of diplomacy—specifically, “exchange,” “aid,” and “cultural” diplomacy—its objective is to cultivate the necessary capabilities to accomplish the common goals of Shiites and promote equilibrium among rival communities. This study investigates contemporary Shiite diplomacy in a global context through the application of a “interpretive method” and a comprehensive analysis of scholarly, documentary, and library materials. The findings of this research emphasize the critical significance of faith-based diplomacy in influencing forthcoming global affairs. Furthermore, the article sheds light on the capacity of the Shi’ite institution to utilize its resources and faith-driven diplomatic abilities to facilitate the concurrent growth of its impact on a national and global scale, thus promoting stable equilibriums in the global sphere. This inquiry further demonstrates the significant influence that religious viewpoints have on the formation of geopolitical dynamics.

**Cite this article** Shariati, Sh., & Nematpour, A. (2023) The Shia Organization as an International System Non-State Actor; *Journal of Social Theories of Muslim Thinkers*, 13(3):65-82.  
<https://doi.org/10.22059/JSTMT.2023.361872.1627>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/JSTMT.2023.361872.1627>



## دیپلماسی مبتنی بر ایمان و کنشگری تشیع در نظام بین‌المللی\*

شهرزاد شریعتی<sup>۱</sup> | علی نعمت‌پور<sup>۲</sup>

۱. نویسنده مسئول: شهرزاد شریعتی، دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. رایانامه: [shariati@modares.ac.ir](mailto:shariati@modares.ac.ir)

۲. دانشجوی پسادکتری علوم سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (دکتری سیاست و روابط بین‌الملل، دانشگاه بین‌المللی فلوریدا، میامی، آمریکا). رایانامه: [a.nematpour@gmail.com](mailto:a.nematpour@gmail.com)

### چکیده

### اطلاعات مقاله

با ورود کنشگران و سازمان‌های غیردولتی به عرصه جهانی و نقش‌آفرینی آن‌ها بعد از جنگ سرد، تغییرات مهمی در فهم دیپلماسی و نقش آن در نظام‌های جهانی به وجود آمده است. این پژوهش با بررسی منابع قدرت دیپلماسی در آموزه‌های شیعی تلاش کرده است تا ضمن تبیین ابعاد مفهوم «دیپلماسی مبتنی بر ایمان» چگونگی پیشبرد اهداف دیپلماتیک را با استفاده از ظرفیت تشیع به‌عنوان یک بازیگر غیردولتی و رای مرزهای ملی و با تأکید بر ظرفیت موازنه‌سازی نشان دهد. مقاله در پی یافتن پاسخ به این پرسش نظری است که ظرفیت نهاد شیعه به‌عنوان یک کنشگر و «بازیگر غیردولتی» (NSA) چگونه در پیشبرد اهداف و برنامه‌های پیروان این مذهب عمل می‌کند؟ در پاسخ به این پرسش این فرضیه آزموده می‌شود که دیپلماسی مبتنی بر ایمان مذهب تشیع، به کمک اجماع عمومی پیروان بر سر اصول و بنیان‌های مشترک ایمانی و با بهره‌گیری توانان از سه گونه دیپلماسی «مبادله‌ای»، «حمایتی» و «فرهنگی» برای دستیابی به اهداف مشترک شیعیان در ایجاد موازنه با اجتماعات رقیب، ظرفیت‌سازی می‌کند. در این پژوهش همچنین با مطالعه کتابخانه‌ای، اسنادی و مدارک علمی تلاش می‌شود تا دیپلماسی شیعه در جهان معاصر به «روش تفسیری» تبیین شود. یافته‌های این مقاله با یادآوری این نکته که دیپلماسی مبتنی بر ایمان در تحولات آینده نظام بین‌المللی نقش بسیار مهمی ایفا خواهد کرد، نشان می‌دهد نهاد تشیع با استفاده از منابع و ظرفیت دیپلماسی مبتنی بر ایمان خود می‌تواند نفوذ خود را به صورت توانان در سطوح فروملی و و رای مرزهای ملی گسترش دهد و در جهان پیرامونی خود موازنه‌سازی‌های نیرومندی را ایجاد کند. یافته‌های این پژوهش همچنین با تأکید بر مبانی مشترک عقیدتی - سیاسی در فرهنگ سیاسی شیعه نشان می‌دهد این نگرش‌های ایمانی موجب افزایش قدرت کنشگری و انسجام شیعیان می‌شود و ظرفیت مهمی را برای جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کشوری با اکثریت شیعی فراهم می‌کند.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۴/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۸/۰۳

### کلیدواژه‌ها:

بازیگران غیردولتی، دیپلماسی مبتنی بر ایمان، شیعه، فرهنگ سیاسی، قدرت نرم.

استناد: شریعتی، شهرزاد، و نعمت‌پور، علی. (۱۴۰۲). دیپلماسی مبتنی بر ایمان و کنشگری تشیع در نظام بین‌المللی؛ فصلنامه علمی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان،

<https://doi.org/10.22059/JSTMT.2023.361872.1627> ۶۵-۸۲: (۳) ۱۱۳

\* این مقاله حاصل یک پژوهش پسادکتری در دانشگاه تربیت مدرس است.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.



<https://doi.org/10.22059/JSTMT.2023.361872.1627>

## ۱. مقدمه

بخش قابل‌ملاحظه‌ای از تبیین ابعاد قدرت سیاست خارجی ایران در دوره معاصر مستلزم فهم چگونگی پیشبرد دیپلماسی مذهب تشیع است. این مقاله با مفروض‌گرفتن «نهاد تشیع» به‌عنوان یک «بازیگر غیردولتی»<sup>۱</sup> متشکل از روحانیت، گروه‌ها، سازمان‌های شیعه و پیروان این مذهب و صرف‌نظر از تفاوت‌های نگرشی مراجع تقلید و روحانیون شیعی با یکدیگر به بررسی ظرفیت این نهاد در نظام بین‌المللی می‌پردازد. همچنین می‌کوشد تا نشان بدهد دیپلماسی نهاد تشیع که بر مبنای ایمان و به منظور شناساندن مذهب شیعه به مسلمانان و غیرمسلمانان از یک سو و گسترش شبکه شیعه فرای مرزها و توسعه روابط و شبکه شیعیان جهان با یکدیگر از سوی دیگر، در ذیل رهبری مراجع تقلید است، چگونه در نظام بین‌المللی مانند یک کنشگر ظرفیت‌سازی می‌کند؟ مقاله بر این نکته تأکید دارد که نهاد تشیع با گسترش حوزه‌های علمیه، مهاجرت علما و وکالت مراجع، اجرای مناسک جمعی شیعی - اسلامی مانند راهپیمایی‌های اربعین، عزاداری‌های محرم و صفر و آیین حج، ایجاد مؤسسات خیریه برای کمک به مردم محروم در مناطق مختلف و تشکیل اتحادیه‌های اسلامی - اقتصادی به گسترش نفوذ شیعیان در کشورهای مختلف کمک می‌کند. بدین ترتیب به نظر می‌رسد مجموع این اقدامات، ابزارهای دیپلماسی نهاد تشیع برای ایجاد موازنه با «دیگری» در محیط پیرامونی محسوب می‌شود و حاصل این دیپلماسی در هر شرایطی می‌تواند موجب افزایش قدرت سیاست خارجی کشورهای دارای جمعیت شیعه برای ایجاد موازنه‌های بین‌المللی در محیط پیرامونی باشد.

## ۲. پیشینه پژوهش

مذهب تشیع در چند سده گذشته نقش مؤثری در پیوستگی دین و دولت در سیاست داخلی ایران و گسترش نفوذ و قدرت نرم این کشور در سایر کشورها داشته است. پس از انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی تلاش داشت با بازتاب مفاهیم انقلاب اسلامی، موازنه جدیدی را در منطقه تعریف کند. مروری بر مهمترین یافته‌ها و پژوهش‌ها در این حوزه نشان می‌دهد دیپلماسی عمومی به‌عنوان ابزار مهمی برای بازتاب انقلاب در دستور کار سیاست خارجی قرار گرفت تا قدرت نرم ایران را افزایش دهد (اسکندری، آقا حسینی، ۱۳۹۴). انقلاب ایران با تأکید بر ارزش‌های جهان‌شمولی مانند عدالت، نفی ظلم و حمایت از مظلوم که ریشه در اندیشه‌های شیعی داشت، بر عمق نفوذ و روند تصمیم‌گیری در کشورهای مسلمان تأثیر داشته است (خرمشاد و بیکی، ۱۳۸۸). برخی از محققین و پژوهشگران با درک اهمیت هویت و فرهنگ شیعی و تأثیر آن بر قدرت نرم کشور و رای مرزهای ملی به بررسی ابعاد این ابزار مؤثر در قدرت نرم ایران پرداخته‌اند. متقی و شایسته در مقاله‌ای با عنوان «دیپلماسی عمومی ایران؛ ظرفیت‌ها و چالش‌ها» به بررسی دیپلماسی عمومی و نسبت آن با قدرت نرم جمهوری اسلامی پرداخته‌اند. این مقاله با رویکردی کارکردگرایانه، ظرفیت‌ها و محدودیت‌های دیپلماسی عمومی ایران را تحلیل کرده و به این نتیجه رسیده است که جمهوری اسلامی توانایی‌های مؤثری در تأثیرگذاری بر جریان‌های فکری جهان اسلام و سیاست‌های بین‌الملل دارد (متقی و شایسته، ۱۳۹۶). اسلامی در مقاله «دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران» با تأکید بر روند فرهنگی و اخلاقی به شکل‌گیری قدرت نرم ایران در سیاست خارجی پرداخته است و با بررسی اجرایی‌شدن این دیپلماسی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و آسیب‌شناسی استفاده از ابزارهای فرهنگی در قدرت نرم حاکمیت، راهکارهایی برای فعال‌شدن دیپلماسی عمومی ایران ارائه داده است (اسلامی، ۱۳۹۳). درخشه و غفاری در مقاله «دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام؛ فرصت‌ها، اقدامات، اولویت‌ها و دستاوردها» به بررسی دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران پرداخته و با تمرکز بر حوزه جغرافیایی

<sup>۱</sup>. Non-State Actor (NSA)

جهان اسلام، ابعاد مختلف دیپلماسی عمومی را به‌عنوان ابزار قدرت نرم حاکمیت در ایران کندوکاو کرده‌اند. این مقاله با تمرکز بر راهبردهای رسانه‌ای و آموزشی در دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی به تبیین دستاوردهای حاکمیت در گسترش بیداری اسلامی و افزایش عمق راهبردی ایران در غرب آسیا پرداخته است (درخشه و غفاری، ۱۳۹۰). دهقانی فیروزآبادی و فیروزی در مقاله «دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در دوران اصول‌گرایی» به اهمیت ارتباط حکومت ایران با ملت‌های مسلمان و غیرمسلمان پرداخته و ابزار دیپلماسی عمومی را در پیشبرد این هدف مؤثر دانسته‌اند. آن‌ها با بررسی ویژگی‌های شخصیتی مسئولان نظام، انقلاب ارتباطات، افزایش نقش بازیگران غیردولتی و تحول در ماهیت و گفتمان قدرت در روابط بین‌الملل را مسبب افزایش جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی دانسته‌اند (دهقانی فیروزآبادی و فیروزی، ۱۳۹۱). یزدان‌فام در کتاب خود با عنوان *دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران* به بررسی دیپلماسی عمومی دولت در ادوار مختلف می‌پردازد، سپس ابزارهای مختلف دیپلماسی عمومی ایران را برای گسترش نفوذ خود در منطقه بررسی می‌کند (یزدان‌فام، ۱۳۹۳). داداندیش و احدی نیز در مقاله خود با عنوان «جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» به تبیین استراتژی حکومت ایران به دیپلماسی عمومی اشاره می‌کنند و بر همین مبنا منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را بررسی می‌کنند (داداندیش و احدی، ۱۳۹۰). هادیان و ایرانفر در مقاله «سطح متراکم دیپلماسی عمومی شیعی و ارتباط استراتژیک جمهوری اسلامی» به شکل‌دهی روابط استراتژیک با گروه‌های مردمی در کشورهای مختلف می‌پردازند و توضیح داده‌اند که روابط میان این گروه‌ها با حکومت ایران روابطی استراتژیک و دوسویه است که به تأمین امنیت و منافع ملی ایران منجر شده است (هادیان و ایرانفر، ۱۴۰۱). همانطور که در ادبیات این مقالات مشخص است، بسیاری از پژوهشگران به بررسی کنشگری دولت در دیپلماسی عمومی و نقش آن در پیشبرد اهداف سیستم اشاره می‌کنند. این مقالات با بررسی نقش بازیگران دولتی به ارزیابی دیپلماسی عمومی به‌عنوان ابزاری مؤثر در قدرت نرم ایران و افزایش عمق راهبردی آن متمرکز است. برخلاف این روند تحلیلی، نوآوری مشخص این مقاله تمرکز بر فرهنگ سیاسی شیعی است که برای تبیین نظری چگونگی موازنه‌سازی نرم تشیع به‌عنوان یک کنشگر موفق غیردولتی و ارزیابی ظرفیت این موازنه در توسعه و تثبیت قدرت نرم در جهان اسلام و مجامع بین‌المللی می‌کوشد. همچنین مقاله حاضر کوشیده است منابع بین‌المللی بیشتری را در حوزه دیپلماسی عمومی برای آزمون فرضیه خود ارزیابی و بررسی کند.

### ۳. تبیین نظری دیپلماسی مبتنی بر ایمان در موازنه‌سازی‌های بین‌المللی

با شروع مدرنیته، دین در غرب از عرصه عمومی کنار گذاشته شد، به همین دلیل در نظریه‌های روابط بین‌الملل و مطالعات دیپلماتیک توجه چندانی به آن نمی‌شود (Troy, 2008: 213). اندیشمندان علوم اجتماعی در غرب باور داشتند اندیشه‌های سکولار دولت - ملت می‌تواند جایگزین دین در دنیای مدرن شود (Fox & Sandier, 2004: 3). نگرش تقلیل‌گرایانه متفکران مدرن در رابطه با نقش دین در سیاست موجب شد برخی از محققان به این نتیجه برسند که دین در نهایت از زندگی اجتماعی و سیاسی دنیای مدرن محو خواهد شد. با این حال، ما برخلاف باور غالب نظریه‌پردازان اجتماعی مبنی بر حذف جریان‌های فرهنگی و دینی از روابط بین‌الملل شاهد گسترش دین در جامعه جهانی هستیم. روند مذهبی‌شدن سیاست و سیاسی‌شدن دین در سراسر جهان در حال افزایش است (Robertson, 1989) و مذهب همچنان به‌عنوان یک نیروی الهام‌بخش تأثیر مهمی بر سیاست در عرصه جهانی دارد (Loskota & Flory, 2013: 11). احیای دوباره دین در عرصه جهانی و نقش آن در تأثیرگذاری بر روندهای بین‌المللی فرصتی برای به‌کارگیری چارچوب‌های اخلاقی و مفاهیم دینی برای توسعه نقش دین در جامعه جهانی ایجاد کرده است. برخی از اندیشمندان بر این باورند که رویکردهای دیپلماتیک دینی

توانایی لازم برای حل و فصل مسالمت‌آمیز درگیری‌های بین‌المللی را دارند و می‌توانند با ابتکاراتی در حل مناقشات در سیاست جهانی مؤثر باشند (Troy, 2008: 209).

امروزه ادبیات روبه‌رشدی در زمینه «دیپلماسی مبتنی بر ایمان»<sup>۱</sup> وجود دارد که به تبیین نقش دین در روابط بین‌الملل می‌پردازد (Johnston, 2011: 56). برخلاف ادعای نوواقع‌گرایان که برای اخلاق و مذهب در سیاست جهانی نقشی قائل نیستند، رویدادهای دنیای جدید نشان داد این عوامل تأثیر مهمی بر شکل‌گیری سیاست بین‌الملل و بازیگران آن دارد. مفهوم دیپلماسی مبتنی بر ایمان از سوی «داگلاس جانستون»<sup>۲</sup> در کتاب *دیپلماسی مبتنی بر ایمان*<sup>۳</sup> رواج یافت. وی سعی کرد با مشارکت در مطالعات موردی از سراسر جهان (از جمله کشمیر، سریلانکا و سودان) تصویر دقیق‌تری از دیپلماسی مبتنی بر ایمان را ارائه بدهد. انگیزه جانستون و طرفداران دیپلماسی مبتنی بر ایمان براساس این ادعا است که کنشگران سیاست خارجی دیگر نمی‌توانند از نقش مذهب در روابط بین‌الملل چشم‌پوشند و نقش دین را صرفاً به‌عنوان عاملی ژئوپلیتیک بررسی کنند (Johnston, 2003: 98). داگلاس جانستون بر این باور است که دین لزوماً متضمن تعارض نیست، بلکه پتانسیل بزرگی برای صلح عمومی در جامعه جهانی دارد. دین به‌ویژه با ابعاد اخلاقی خود می‌تواند با مدل‌های دیپلماسی برای گسترش صلح بین‌الملل به‌طور پویا ادغام شود (Johnston, 2003: 15). از سوی دیگر، اسکات اپل‌بای با نقد نظریات عقل‌گرایانه براساس منافع ملی کشورها به ضرورت توجه بیشتر بر کرامت انسانی و نقش آن در نظریه‌های بین‌الملل تأکید دارد (Appleby & Philpott, 2006: 224). به همین دلیل برخی از محققان با اشاره به ارزش‌های انسانی در جامعه جهانی به دیپلماسی مبتنی بر ایمان به‌عنوان یکی از نتایج باور به نقش دین در سطح بین‌الملل و مقابله با چالش‌های پیش‌روی دولت‌ها تأکید دارند. آن‌ها بر این باورند که مقابله با افراط‌گرایی دینی نیز جز با پذیرش و تقویت دین و تلاش برای نقش‌آفرینی آن در عرصه بین‌المللی ممکن نیست (Seiple, 2007: 42). این گروه از اندیشمندان با تأکید بر اینکه جهان‌بینی افراد اغلب تا حدی متأثر از ادیان است، به نقش دین در شکل‌گیری هویت جمعی باور دارند و دیپلماسی مبتنی بر ایمان را به‌عنوان ابزاری مؤثر برای کنترل تنش در جهان می‌دانند (Johnston, 2003: 15). از سوی دیگر، مذهب بر شکل‌دهی هویت در گروه‌های غیردولتی و گسترش تأثیر این بازیگران غیردولتی بر دولت‌های آن‌ها در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیر زیادی دارد و با توجه به علت نفوذ مذهب در سیاست و جامعه می‌توان انتظار داشت که این منبع به کمک داشتن شبکه‌ای از ارتباطات و قابلیت بسیج مردمی در سطح ملی و فراملی نقش مهمی در دیپلماسی بازی کند (Johnston, 2003: 14).

اگرچه دیپلماسی مبتنی بر ایمان مفهوم جدیدی در حوزه روابط بین‌الملل است، می‌توان آن را شکلی از دیپلماسی خط دو دانست که پویایی ایمان دینی را با مفهوم صلح بین‌الملل و حل تعارضات جامعه جهانی ادغام می‌کند. با این نگاه می‌توان دیپلماسی مبتنی بر ایمان را گفتگویی بر سر ارزش‌های اساسی انسانی در عرصه سیاست جهانی دانست. بنابراین دیپلماسی مبتنی بر ایمان تلاش دارد تضادهای انسانی را با تحول در مبانی ارزشی انسان‌ها و تعریف رابطه جدید با خداوند حل کند و موجب تغییر در روابط میان انسان‌ها در جامعه شود (Thomas, 2005: 184). این رویکرد تفاوت‌های اساسی با سایر مدل‌های دیپلماسی دارد؛ چراکه دیپلماسی مبتنی بر ایمان به‌دنبال تغییر در وضعیت تعارض از طریق بازتعریف روابط میان انسان‌ها با خداوند است که با تغییر در باورهای شخصی مسبب تغییر در جامعه می‌شود. در واقع درک نقش دین در دیپلماسی توجه به جایگاه جامعه دینی و نقش آن در پویایی‌های دیپلماسی مبتنی بر ایمان امری ضروری است. دیپلماسی مبتنی بر ایمان به تعبیر جانستون، به معنی گنجاندن نگرانی‌های مذهبی در ارزیابی و تحلیل کنش‌های

1. Faith-based diplomacy

2. Johnston, Douglas

3. Faith-based Diplomacy: Trumping Realpolitik

سیاست بین‌المللی است (Johnston, 2011: 57). در این دیدگاه، دیپلماسی مبتنی بر ایمان به‌عنوان شکلی از دیپلماسی خط دو<sup>۱</sup> است که از پویایی ایمان دینی برای تبیین نظام بین‌المللی استفاده می‌شود (Johnston, 2003: 15). همانطور که کاکس و فیلیپات استدلال می‌کنند، جهت‌گیری دیپلماسی مبتنی بر ایمان به خداوند، اصلی‌ترین و متمایزترین اصل در دیپلماسی دینی است (Cox & Philpott, 2003: 33). به عبارتی دیگر، اصل اساسی دیپلماسی مبتنی بر ایمان بر این فرض استوار است که جهت‌گیری آن به سوی امر الهی است بنابراین دیپلماسی مبتنی بر ایمان از دیگر انواع رویکردهای دیپلماسی متمایز است؛ چراکه فقط به‌دنبال توقف درگیری خشونت‌آمیز در جوامع نیست و بیشتر به‌دنبال توسعه صلح و آشتی در جوامع و در عرصه بین‌الملل است (Johnston & Cox, 2016: 20). به این معنا که نمی‌توان چارچوب دیپلماسی مبتنی بر ایمان را به‌عنوان ابزار کلاسیک دیپلماسی دید، بلکه به‌طور منحصربه‌فردی برای رفع نگرانی‌های دنیای معاصر توسعه یافته است. در چنین فضایی سازمان‌های بین‌المللی، بازیگران غیردولتی و گروه‌های مذهبی به‌دنبال راه‌هایی برای افزایش نقش دین در روندهای دیپلماتیک هستند (Philpott, 2006: 12). این روند سبب شده است بازیگران دینی از طریق مسیرهای متفاوت دیپلماسی، معنا و کارکرد تعامل دیپلماتیک را تغییر بدهند و فرصت بیشتری را برای بازیگران مذهبی فراهم کنند تا بخشی از روند دیپلماتیک باشند.

نظام بین‌المللی از اوایل دهه ۱۹۷۰ به این نتیجه رسید که بازیگران غیردولتی دینی از نظر سیاسی نقش بسیار مهمی در نظم جهانی دارند و نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت. این بازیگران - در تعریفی حداقلی - کنشگرانی هستند که از سوی نمایندگان رسمی دولت‌ها نیستند، در سطح جامعه بین‌الملل فعالیت کردند و دارای شبکه ارتباطی فرای مرزهای ملی هستند (Higgott et al, Korey, 1998; 2000). این بازیگران غیردولتی دینی همانطور که جانستون بیان می‌کند، می‌توانند از هویت مذهبی، روابط اعتماد و شبکه‌های گسترده خود بهره‌برداری کنند تا ابزاری اساسی برای کاهش تعارض در عرصه بین‌الملل ارائه دهند. نحوه همکاری نزدیک این سازمان‌ها با جامعه و تمرکز سازمان‌ها برای ارائه خدمات خاص به این معنا است که این بازیگران می‌توانند محرک‌های جدی تعارض را شناسایی، روابط جمعی را بازسازی و راه‌حل‌های بلندمدت را در تقابل با تعارض ارائه کنند (Johnston, 2011: 148).

مهم‌ترین شاخص شناسایی این بازیگران به شرح ذیل است:

۱. جمعیت قابل توجهی در سطح جهان دارند.
۲. همبستگی سازمانی و ذهنی در میان آن‌ها برقرار است.
۳. حوزه نفوذ مؤثر آن‌ها چندین کشور را پوشش می‌دهد.
۴. دولت‌ها و دیگر بازیگران غیردولتی آن را به‌عنوان یک سازمان سیاسی در عرصه بین‌الملل پذیرفته‌اند.
۵. اثرگذاری مشخصی بر سیاست بین‌الملل داشته باشند (Haas, 1993: 401).

در چنین فضایی دولت‌ها دیگر به‌عنوان تنها بازیگر اصلی در سیاست بین‌الملل شناخته نمی‌شوند و رشد روابط فراملی بر اهمیت سیاسی و اقتصادی بازیگران غیردولتی مستقل افزوده است که خارج از کنترل دولت‌ها هستند. جوزف نای در تحلیل خود قدرت ملی را به دو نوع تقسیم می‌کند: قدرت سخت<sup>۲</sup> و قدرت نرم<sup>۳</sup>. او قدرت سخت را با عوامل مادی مانند ارتش، جمعیت، منابع اقتصادی و... در ارتباط می‌داند و قدرت نرم را با عوامل نامشهودی مانند فرهنگ، ایده‌ها، مهارت‌ها و جذابیت مرتبط می‌کند. نای معتقد است اثبات قدرت نه در منابع بلکه در توانایی تغییر رفتار و حالات بازیگران است (Nye, 2004: 53). تحلیل نای از قدرت نرم به دیدگاه اچ. کار به قدرت

1. Track two diplomacy

2. Hard power

3. Soft power

به‌عنوان «قدرت بر نظر»<sup>۱</sup> یا آنچه مورگنتا «کنترل بر ذهن و رفتار دیگری»<sup>۲</sup> می‌نامد، نزدیک است (Morgenthau, 1948: 13). به گفته مورگنتا، قدرت شامل هر ابزاری از خشونت فیزیکی تا روابط ظریف روانی است که از طریق آن یک فرد بر سایر افراد کنترل پیدا می‌کند؛ بنابراین می‌توان دیپلماسی را یک عامل مهم در بهینه‌کردن منافع ملی دانست (Nye, 2004: 59). این گونه از دیپلماسی می‌تواند با ایجاد بازدارندگی در برابر احتمال اقدام نظامی قدرت‌های برتر، اهداف آن‌ها را در برابر قدرت‌های ضعیف‌تر ناکام بگذارد، همچنین می‌تواند به ابزار جذابی برای اجتماعات یا کشورهای کمتر قدرتمند تبدیل شود (Walt, 2002: 9-28).

مذهب تشیع به‌طور خاص به‌عنوان عنصری هویت‌بخش در ایران و جوامع شیعه موجب ارتباط میان شیعیان و دولت‌های آن‌ها شده است. مذهب تشیع بنا به الگوهای رفتاری و ارزشی که در طول زمان شکل گرفته و تکرار شده، مدلی از رفتار اجتماعی را تثبیت کرده است که فعالیت‌های شیعیان در آن چارچوب قابل فهم و بررسی است. تشکیل هویت مشترک میان شیعیان در کشورهای مختلف و تمرکز آن در نهاد تشیع به‌عنوان یک بازیگر غیردولتی، موجب شکل‌گیری ظرفیتی ویژه در کشورهای با اکثریت شیعه شده است. این مقاله در ادامه با مرور بر ویژگی‌های فرهنگ سیاسی شیعیان مانند ایمان پیروان، توان نهاد تشیع را از منظر دیپلماسی مبتنی بر ایمان همچون بازیگر غیردولتی ارزیابی می‌کند.

#### ۴. ویژگی‌های فرهنگ سیاسی و ایمان شیعی

می‌توان فرهنگ سیاسی را به‌عنوان بخشی از فرهنگ اجتماعی مشتمل بر مجموعه‌ای از باورهای قلبی، نگرش‌ها و جهت‌گیری‌های مستقل از خرد (نه لزوماً غیرعقلانی) یک ملت نسبت به نخبگان و قدرت سیاسی و مفهومی به موازات مفهوم ایمان دانست. در این ارتباط «گابریل آلموند»<sup>۳</sup> فرهنگ سیاسی را «تمایلاتی خاص به رفتار سیاسی ویژه» تلقی می‌کند (چیلکوت، ۱۳۷۷: ۳۴۵). «لوسین پای»<sup>۴</sup> نیز معتقد است فرهنگ سیاسی نوعی قلمرو ذهنی نظم‌یافته برای سیاست ارائه می‌کند که به مراتب فراتر از یک نظام سیاسی محسوب می‌شود (چیلکوت، ۱۳۷۷: ۳۴۷). در نگرش «تکوین‌گرایی اجتماعی» نیز بر نقش ساختارهای فکری و تصورات ذهنی در شیوه «برزیستن»<sup>۵</sup> افراد تأکید شده است و آن‌ها را تا سطح یک متغیر مستقل برای تحلیل فرهنگ سیاسی ملت‌ها بالا می‌برد. براین اساس استدلال می‌شود برای تبیین «ساخت اجتماعی دانش»<sup>۶</sup> در هر نحوه نگرش و باور باید از «معرفت‌شناسی»<sup>۷</sup> و چگونگی «برساختن حیات اجتماعی»<sup>۸</sup> از منظر «هستی‌شناختی»<sup>۹</sup> بهره برد (Kubalkova, 1998: 19-20). مطابق این تعاریف ملاحظه می‌شود فرهنگ سیاسی قربات مفهومی زیادی با امر ایمانی در اندیشه‌های مذهبی دارد. براین اساس از مهمترین عناصر در فرهنگ سیاسی و نظام انگیزشی و ادراکی شیعیان اعتقاد به «موعود» و «منجی» است که جهان مادی را از ظلم و فساد نجات خواهد داد. فلسفه انتظار در اندیشه شیعی از عوامل محسوب می‌شود که فرهنگ سیاسی شیعیان را در عمل به سمت‌وسوی مقاومت در برابر ظلم سوق می‌دهد و بروز و تأثیر آن را در دیپلماسی ایمانی شیعیان برای دفع مظاهر فساد جلوه‌گر می‌کند. ویژگی‌هایی مانند باطنی‌گری اسلامی، حس‌گرایی و عاطفه‌گرایی و اعتقاد به عصمت و حقیقت مطلق (عنایت، ۱۳۷۲: ۴۱ و ۴۸) در فرهنگ سیاسی شیعیان موجب می‌شود آرمان‌خواهی شیعیان نه یک

1. Power over opinion

2. Control over the minds and actions of other men

3. Gabriel Almond

4. Lucian Pye

5. Survive

6. Social Construction of knowledge

7. Epistemology

8. Construction of Social Reality

9. Ontology

طرح خیالی یک برنامه دست‌یافتنی و تحقق‌پذیر تصور شود (رجایی، ۱۳۷۶: ۲۷۴). فرهنگ سیاسی شیعه با بهره‌گیری از مفهوم «انسان کامل» از سویی می‌تواند معیارهایی منحصر به فرد را برای انتقاد از گفتمان‌های اقتدارگرا، فاسد، نالایق و نامشروع به دست آورد و از سوی دیگر با بهره‌گیری از آموزه‌های دیگر در فرهنگ سیاسی خود مانند ایثار، جهاد و شهادت برنامه‌هایی جدی را برای موازنه در برابر رقیب تدارک ببیند. نکته قابل توجه دیگر در فرهنگ سیاسی شیعیان نگرش به جنگ در این فرهنگ سیاسی است. به بیان دیگر، از مباحث مهمی که در ارتباط با موضوع جهاد نزد شیعیان می‌توان شناسایی کرد، بحث جایگاه و شرط «ضرورت» در دفاع و جنگ است. براساس فقه شیعی اگر راه دیگری برای دفع خطر و تجاوز ممکن و میسر باشد، توسل به زور و خشونت در مقام دفاع، مجاز و مشروع نخواهد بود. چنان که علامه شمس‌الدین اشاره می‌کند: «در دفاع تا اندازه ممکن باید از طریقی که به تلفات سنگین منجر می‌شود، اجتناب کرد و استفاده از نیروی نظامی و توسل به زور زمانی مجاز است که دفع تجاوز از راه‌های مسالمت‌آمیز ممکن نباشد...» (شبر، ۱۳۸۸). امام خمینی به عنوان یکی از فقهای معاصر شیعی نیز در این باره معتقد است: «... در تمام آنچه ذکر شد، بنابر احتیاط واجب است که از مرحله پایین‌تر اقدام به دفاع کند و به مرتبه شدیدتر از آن برسد، الا سهل فالاسهل...» (امام خمینی، ۱۳۶۱: ۳۳۱).

سرانجام با وجود برخی اختلافات در فقه شیعی به نظر می‌رسد، در فرهنگ سیاسی شیعی دو اصل «امامت» و «عدل» از یک طرف مورد اجماع همگانی و از طرف دیگر با عنایت به کارکرد کلامی، اجتماعی و سیاسی، اصولی غیرقابل انکار نزد شیعیان هستند. از منظر شیعیان همان استدلال و شرایطی که مبنای فرستادن پیامبران بود، ایجاب‌کننده نظریه امامت است و «لطف» خداوند ایجاب می‌کند مسئله امامت و رهبری بدون تکلیف نماند (حلی، ۱۳۹۸: ۵۰۷). به باور شیعیان، خداوند سبحان هیچ‌گاه زمین را از وجود حجتی برای بندگان اعم از نبی یا وصی ظاهر و آشکار یا غایب مستور خالی نمی‌گذارد و این سنتی الهی است (عنایت، ۱۳۷۲: ۴۶). امام از این منظر در جامعه شیعیان مانند رهبر مدینه فاضله محسوب می‌شود که وظیفه پیشبرد مادی و معنوی جامعه را برعهده دارد. در این رابطه مفهوم پیشرفت «فرایندی است که متضمن رشد مداوم در ابزار و روابط مادی و معنوی و بنیان‌های اقتصادی - اجتماعی است و انسان در این جریان می‌تواند به کمال برسد» (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ۲۱۳). از سوی دیگر در فرهنگ سیاسی اکثریت شیعیان، اجرای احکام دین بدون داشتن حاکمیت سیاسی و قوه مجریه امکان‌پذیر نیست و «ولی‌امر» باید متصدی قوه مجریه قوانین هم باشد (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۱). ملاک‌ها و معیارهایی که حضرت علی (ع) به عنوان پیشوای شیعیان در نامه خود به مالک‌اشتر بیان می‌کند، بیانگر مبانی اندیشه سیاسی تشیع در موضوع حکمرانی مبتنی بر دیپلماسی عمومی است. براساس آنچه گفته شد، اصل امامت اثری ریشه‌دار در انتخاب حاکمان سیاسی در دوران غیبت برای اکثریت شیعیان دارد و با توجه به این اصل مردم نمی‌توانند هر فردی را به عنوان حاکم انتخاب یا از او اطاعت کنند.<sup>۱</sup>

عدل نیز در عین حال که یکی از اصول اعتقادی شیعه است، از اساسی‌ترین اصول و مبانی اندیشه سیاسی آن نیز به‌شمار می‌رود. در این راستا تأکید بر ضرورت اجرای عدالت در سخنان ائمه شیعه (ع) نشانگر اهمیت آن در نظام فکری این مذهب است. عدل افزون‌بر اینکه جایگاه مهمی در علمی مثل فلسفه، کلام، فقه، اخلاق و سیاست شیعه دارد، از مستقلات عقلی نیز به‌شمار می‌رود. از منظر شیعیان اصلی‌ترین هدف حکومت برپایی عدالت اجتماعی است؛ به‌ویژه آنکه امام علی (ع) انتظام امور نظام سیاسی مردم را به عدل منوط می‌داند و ریشه انحراف، دشمنی و ستم را در خروج از عدالت جستجو می‌کند (نهج‌البلاغه: خطبه ۳۲). نراقی در معراج‌السعاده، عدالت حاکم را اشرف و افضل انواع سیاست می‌داند و معتقد است هر عدالتی نسبت به عدالت حاکم است و اگر عدالت سلطان نباشد، احدی از اجرای عدالت متمکن نخواهد بود (نراقی، ۱۳۸۷: ۵۱). در فقه، فلسفه و کلام شیعه نیز عدل جایگاهی بس رفیع دارد و رعایت آن موجب آزادی

۱. نک: حدیث «عمر بن حنظله»



و کرامت انسان می‌شود. چنان‌که امام علی (ع) بعد از اینکه به خلافت دست یافت، در نامه‌های مکرر به والیان، اصلی‌ترین وظیفه آن‌ها را برقراری عدالت عنوان می‌کند. با تأمل در تاریخ سیاسی شیعه نیز آشکار می‌شود شیعه هیچ‌گاه با سلاطین جور کنار نیامده و پیوسته با آن‌ها درگیر بوده است (نهج‌البلاغه حکمت ۲۲۱- نکوهش ظلم و ستم به مردم). این مقاله در ادامه، ظرفیت‌ها و ابزارهای فرهنگ سیاسی شیعی را در ایجاد قدرت نرم برای تحقق دیپلماسی مبتنی بر ایمان را بررسی خواهد کرد.

## ۵. ظرفیت و ابزارهای تولید قدرت نرم در فرهنگ سیاسی شیعی

شیعیان در عصر معاصر با استناد به نظریه «ولایت فقیه» امام خمینی (ره) که از لحاظ نظری و عملی موجب پربرترین مباحث در موضوعات فقه سیاسی و حقوق عمومی شیعه شده است (کدیور، ۱۳۸۰: ۲۸)، توانسته‌اند پیشرفت‌های قابل‌ملاحظه‌ای را در مباحث حکمرانی حاصل کنند که در ذیل به برخی از ابزارها و ظرفیت‌های قدرت نرم در فرهنگ سیاسی شیعی اشاره خواهد شد:

**بیعت:** بیعت نوعی عقد و قرارداد دوسویه بین حاکم و فرمان‌برداران است که از یک سو حاکم را با توجه به حق، عدل و رعایت مصالح مسلمانان و براساس قرآن و سنت به اداره جامعه متعهد می‌کند و از طرف دیگر مؤمنان متعهد می‌شوند ضمن شنیدن و اطاعت از حاکم، او را نصیحت و از او حمایت کنند (فیرحی، ۱۳۸۶: ۸۹ و امام خمینی، ۱۳۷۹: ۲۷). نکته قابل‌تأمل دیگر در مورد بیعت در فرهنگ سیاسی شیعه رابطه این امر سیاسی با غیبت است. خواجه نصیرالدین طوسی در این باره می‌گوید: «حرمان خلق از امام و علت غیبت او چون معلوم است که از جهت خدای سبحان نباشد و از جهت خود امام نیز نبود، پس لابد از جهت رعیت بود و تا آن علت زایل نشود، ظاهر نگردد» (الحمدی، ۱۳۸۳: ۲۴۹). پس به بیان دیگر می‌توان بیعت را مانند زمینه‌سازی برای ظهور ارزیابی کرد که با وفاداری به نایبان امام عصر محقق می‌شود. بدین ترتیب در دوران معاصر سازوکارهای تحقق بیعت تا حدودی دشوار و دچار پیچیدگی شده است، اما در مجموع این شیوه نوعی ابزار مشروعیت‌آفرین و قدرت نرم است که می‌تواند پشتوانه نظری و عملی لازم را برای تحقق اهداف جمعی شیعیان فراهم کند.

**شورا:** آیات<sup>۱</sup> و روایاتی که بیانگر ضرورت شورا و مشورت در تصمیم‌گیری است، به‌صورت فراوان در مجموعه‌های حدیثی شیعیان دیده می‌شود. در بیانات امیرمؤمنان (ع) در نهج‌البلاغه و سفارشات اکید آن حضرت به والیان و حاکمان نیز بارها توصیه شده است از مشورت با اهل شورا در تصمیم‌گیری‌های عمومی غفلت نکنند (طالقانی، ۱۳۶۲: ۳۹۵). از نظر محقق نائینی، اصل قدرت در نظام سیاسی اسلامی، شورایی است و در امور غیرمنصوص مشارکت عمومی با مشورت با علمای امت حاصل می‌شود. افزون بر این در صورت نداشتن اتفاق نظر بین منتخبان مردم، رجوع به اکثریت آرا (همه‌پرسی) واجب است. آیت‌الله نائینی در این باره تصریح می‌کند: «آیه مبارکه «وامرهم شوری بینهم» اگرچه فی نفسه بر زیاده از رجحان مشورت دلیل نباشد، لکن دلالتش بر آن که وضع امور نوعیه بر آن است که به مشورت نوع برگزار شود، در کمال ظهور است» (نائینی، ۱۳۶۰: ۵۳). شیخ اسماعیل محلاتی از دیگر علمای عصر مشروطه نیز در رساله «مراد از سلطنت مشروطه» همچون دیگر آثار خود مانند «لئالی المریوطه فی الوجوب المشروطه» تصریح می‌کند: «برحسب مناسبت وقت و اقتضای این دوره به غیر از این نشود که جمهور ملت و اعضای مملکت بر هیأت وحدانیه، کید واحد علی من سواهم، در مقام

۱. و [مؤمنان] کسانی هستند که پروردگارشان را پاسخ داده و نماز برپا کرده‌اند و کارهای آنان بر مبنای مشورت است و از آنچه روزی به آن‌ها داده‌ایم، انفاق می‌کنند؛ شوری: ۳۸ / (پس به [برکت] رحمت الهی با آنان نرمخو [و پرهمرا] شدی و اگر تندخو و سختدل بودی قطعا از پیرامون تو پراکنده می‌شدند. پس از آنان درگذر و برایشان آموزش بخواه و در کار [ها] با آنان مشورت کن و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن؛ زیرا خداوند توکل‌کنندگان را دوست می‌دارد؛ آل عمران: ۱۵۹.

تدارک و جبران برآیند به این نحو که عقلای خود را که عارفند به مصالح و مضار مملکت و در سیاست بین‌الدول نیز با خیرت و بصیرتند و به علاوه به فضیلت ملکه انصاف و بی‌غرضی آراسته و پیراسته‌اند، تعیین و برقرار کنند... تا آنکه دست تعدی و تطاول در حقوق عامه ملت و آنچه موجب صلاح و رشاد مملکت است، از هر طرف مسدود شود» (زرگری نژاد: ۱۳۹۰: ۲۸۹). از این دیدگاه، تدبیر امور سیاسی شیعیان در زمان غیبت معصوم (ع) بر عهده خود مردم گذاشته شده است و شیعیان می‌توانند امور اجتماعی خود را براساس مصالح (که نباید با احکام شرعی ناسازگار باشد) در شرایط مختلف زمانی و مکانی سامان بدهند. این نظریه با تقریرات متفاوت از سوی سید محمدباقر صدر، شیخ محمدجواد مغنیه و شیخ محمد مهدی شمس‌الدین ارائه شده است (فیرحی، ۱۳۸۶: ۵۹).

**امر به معروف و نهی از منکر:** اساس انجام امر به معروف و نهی از منکر، دعوت به خوبی‌ها و ارزش‌های والا و نیز دوری و پرهیز از زشتی‌ها و بدی‌ها در جهت گسترش تعالی‌گرایی و حقیقت‌گرایی در یک جامعه است. (ابن‌بابویه، ۱۹۶۶: ۲۴۹)، (کلینی، ۱۳۸۸: ۵۵)، (سید رضی، ۱۳۸۶: ۳۹۹) ملا احمد نراقی در کتاب *معراج السعاده* تصریح می‌کند: «...اگر بساط امر به معروف و نهی از منکر پیچیده شود و اساس آن برچیده شود، آیات نبوت از میان برطرف و احکام دین و ملت ضایع و تلف می‌گردد و جهل و نادانی عالم را فرومی‌گیرد و ضلالت و گمراهی ظاهر می‌شود و آثار شریعت رب‌العالمین فراموش و چراغ آیین سیدالمرسلین خاموش، فتنه و فساد شایع و ولایت و اهل آن‌ها نابود و ضایع می‌گردند» (نراقی، ۱۳۸۷: ۴۶۶). امام خمینی به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین رهبران شیعیان جهان در عصر معاصر با توصیف حکومت طاغوت به مثابه بزرگ‌ترین منکر و همکاری با چنین حکومتی مانند انکر منکرات، اعتراض به حکومت‌های جائز و اظهار نفرت از حکمرانان ظالم را حتی در شرایطی که مؤثر نباشد، واجب برمی‌شمرد (امام خمینی، بی‌تا: ۴۷۲-۴۸۲).

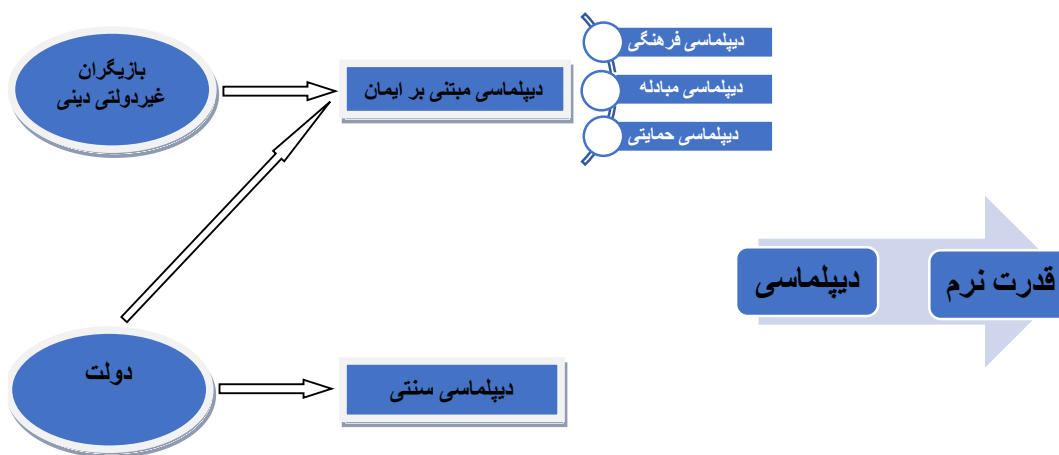
## ۶. نهاد تشیع به مثابه بازیگر غیردولتی در نظام بین‌المللی

رویکردهای انتقادی روابط بین‌الملل با تمرکز بر شبکه‌های ارتباطی میان بازیگران غیردولتی که نقش تعیین‌کننده‌ای بر جهت‌گیری‌های سیاسی در فضای بین‌الملل ایجاد کرده است، به نقد اندیشه‌های تقلیل‌گرایانه و ستفالیایی پرداخته‌اند که بر اهمیت دولت‌ها به‌عنوان تن‌ها کنشگران نظام بین‌الملل تأکید داشت. آن‌ها نشان می‌دهند بازیگران غیردولتی دارای قدرت سازمان‌دهی کافی برای بسیج منابع خود به منظور تأثیرگذاری بر روند ظهور و بروز هنجارها در جامعه بین‌الملل هستند و کارکرد این کنشگران ورای مرزهای ملی است، آن‌ها حتی علی‌رغم کانال‌های ارتباطی کنترل‌شده از جانب دولت‌ها تلاش می‌کنند تا با دورزدن حاکمیت‌ها بتوانند هم‌پیمانان بین‌المللی را فرای مرزهای ملی پیدا کنند و بتوانند از بیرون بر دولت‌های خود فشار وارد کنند (Keck & Sikkink, 1998: 12-13).

با توجه به ارتباط میان بازیگران غیردولتی و هنجارهایی که موجب شکل‌دادن به ترجیحات این بازیگران شده است، روش‌های اقناع و برندسازی نیز نقش محوری را در این ادبیات به خود اختصاص داده است. همان‌طور که «فاینمور» توضیح می‌دهد، ادعاهای هنجاری زمانی که قانع‌کننده باشند، می‌تواند به تولید قدرت بینجامد و این قدرت موجب غلبه آن‌ها بر روایت‌های رقیب می‌شود، در نتیجه، اقناع به‌عنوان فرآیندی شناخته می‌شود که در آن کنش بازیگران به ساختار اجتماعی و ایده‌ها به هنجار تبدیل خواهد شد (Finnemore & Sikkink, 1998: 893). به عبارت دیگر، بازیگران غیردولتی با اتخاذ این سازوکار، دولت‌ها را متقاعد می‌کنند تا ایده‌های هنجاری خاصی را به‌عنوان استانداردهای تعیین‌شده بر رفتار دولت‌ها بپذیرند و حاکمیت‌ها را به تغییر سیاست‌های دولت وادار کنند (Checkel, 1999: 89-90). از این‌رو، بازیگران غیردولتی موفق بازیگرانی هستند که می‌توانند ایده‌های هنجاری را به‌گونه‌ای صورت‌بندی کنند که بر ادراک مخاطبان تأثیر بگذارد و روند متقاعدسازی عملیاتی شود (Barnett, 1997: 535). از سوی دیگر، دولت‌ها می‌توانند اهداف مشترکی با بازیگران غیردولتی تعریف کنند و از منابع خود برای تأثیرگذاری بر بازیگران فراملی استفاده کنند. هرگاه اهداف بازیگران

غیردولتی فراملی با اهداف سیاست خارجی دولت‌ها همپوشانی داشته باشند، فرصت‌هایی برای همکاری به وجود می‌آیند، اما این اهداف که معمولاً اهداف نهایی برای سازمان‌های غیردولتی تعریف می‌شوند، گاه فقط اهداف ابزاری برای دولت‌ها هستند یا حداقل دولت‌ها می‌توانند منافع دیگری مانند برقراری امنیت و ثبات منطقه‌ای و بسیج منابع برای مقاومت در برابر یک رژیم خارجی داشته باشند که موجب ارتباط بین دولت‌ها و بازیگران غیردولتی می‌شود (Hägel & Peretz, 2005: 485). در حال حاضر این روابط دوسویه میان نهاد تشیع و دولت در ایران موجب شکل‌گیری روابط خاصی میان آن‌ها شده است که بُعد راهبردی پیدا کرده است. بر این اساس، فهم ظرفیت نهاد تشیع متشکل از روحانیت شیعه، گروه‌ها، سازمان‌های شیعه و پیروان این مذهب فرای مرزهای ملی حتی در مطالعه نظام بین‌الملل نیز دارای اهمیت استراتژیک است. اجماع بر سر ارزش‌های بنیادین در نهاد تشیع موجب شده است گروه‌های شیعه در سرتاسر جهان با وجود برخی اختلاف‌نظرها در بیشتر موارد به متحدانی بالقوه و با اهمیت برای یکدیگر تبدیل شوند. راهپیمایی عظیم اربعین شیعیان و اجتماعات بزرگ آن‌ها در ماه‌های محرم و صفر را می‌توان جلوه‌ای نمادین از این همگرایی دانست که نهاد تشیع با استفاده از این ظرفیت‌ها به‌عنوان یک بازیگر غیردولتی و با استفاده از دیپلماسی عمومی جدید<sup>۱</sup> یا همان دیپلماسی مبتنی بر ایمان خود سعی در گسترش و تثبیت قدرت نرم خود در منطقه و سطح بین‌المللی دارد. در این چارچوب نهاد تشیع از یک سو با رصد اخبار و اتفاقات روزانه در داخل و خارج از کشور سعی می‌کند واکنشی مناسب برای تصویرسازی در افکار جهانی را به‌عنوان یک بازیگر غیردولتی مؤثر در سطح بین‌المللی داشته باشد و از سوی دیگر با بهره‌بردن از ابزارهای در دسترس تلاش می‌کند تا یک هدف مشخص و مستقل را تبلیغ کند و به این ترتیب بر ادراکات دیگر ملت‌ها تأثیر بگذارد. از سوی دیگر، این نهاد با برقراری ارتباط مؤثر با نخبگان دیگر کشورها تلاش دارد فرهنگ مشترک را شناسایی و ارزش‌های این نهاد را بنابر زمینه موجود بین نخبگان و مردم گسترش بدهد و بدین وسیله نفوذ خود را در سطح فراملی و فروملی تثبیت کند. به عبارتی دیگر، همانطور که پامنت درباره بازیگران غیردولتی می‌گوید، نهاد تشیع با شناخت گروه‌های تأثیرگذار در جامعه هدف و تأثیرگذاری بر ادراک و اذهان این نخبگان، شرایطی را مهیا می‌کند تا این گروه‌ها و نخبگان ملی با تأثیر بر دولت‌های خود، شرایط اجرایی شدن اهداف و منافع نهاد تشیع را در کشور خود فراهم کنند (Pamment, 2012). نمودار شماره یک رابطه نهاد تشیع به‌عنوان بازیگر غیردولتی با دولت و چگونگی امکان استفاده از ظرفیت دیپلماسی مبتنی بر ایمان را به‌عنوان ابزاری مناسب برای تأثیرگذاری بر روند تصمیم‌گیری بر کشورهای هدف نشان می‌دهد. در این مدل، نهاد تشیع با همکاری دولت و با استفاده از ابزارهای دیپلماسی ایمانی مانند دیپلماسی فرهنگی، مبادله‌ای و حمایتی بر ادراک شهروندان و نخبگان کشورهای هدف تأثیر گذاشته است و در روند تصمیم‌سازی در آن کشور موجب افزایش قدرت نرم کشور مبدأ می‌شود. این مدل با نشان دادن همکاری بازیگران غیردولتی با حاکمیت در عرصه دیپلماسی مبتنی بر ایمان، روند تولید و تثبیت قدرت نرم به‌وسیله دیپلماسی را نشان می‌دهد.

<sup>۱</sup>. New public diplomacy



نمودار شماره یک. چگونگی تعامل بازیگران دولتی و غیردولتی برای تولید قدرت نرم از طریق دیپلماسی

## ۷. گونه‌های دیپلماسی مبتنی بر ایمان در نهاد تشیع

### ۷-۱. دیپلماسی فرهنگی<sup>۱</sup>

دیپلماسی فرهنگی تلاش یک بازیگر برای مدیریت محیط بین‌المللی از طریق معرفی منابع و دستاوردهای فرهنگی آن در خارج از کشور یا تسهیل انتقال فرهنگی به خارج است (Cull, 2008: 33). از نظر تاریخی، دیپلماسی فرهنگی به معنای سیاست بازیگران دولتی/غیردولتی برای تسهیل صادرات نمونه‌های فرهنگی آن است. روابط یا مبادلات فرهنگی به گسترش این مفهوم کمک می‌کند و امکان تمرکز و مدیریت بر اهداف و نتایج را فراهم می‌کند. نهاد تشیع در شیعه با استفاده از ابزار دیپلماسی فرهنگی به مدیریت حافظه تاریخی جوامع شیعه می‌پردازد. به گفته بعضی از محققان، فرهنگ حافظه یکی از مفاهیم مهم در مدیریت ارتباطات سیاسی در سطح بین‌الملل است (Ociepka, 2018: 8). حافظه تاریخی، جوامع را ساده، شفاف و همه‌فهم می‌کند، همچنین هویت جمعی را تقویت می‌کند و با توجه به پیچیدگی روابط در سطح بین‌الملل مسبب انسجام درونی می‌شود (Drzewiecka, & Hasian, 2018: 234). یکی از مهم‌ترین نتایج شکل‌گیری دیپلماسی فرهنگی نهاد تشیع، جذب نخبگان و تصویرسازی معتبر از خود است. به دلیل اختلافات فرهنگی و زمینه‌های متفاوت ارزشی و هویتی، ایجاد تعامل میان سازمان‌ها و گروه‌ها مشکل است. به همین دلیل دیپلماسی فرهنگی و آموزشی با تبادل برنامه‌های آموزشی و هنری به تولید بستر مشترکی از تفاهم و تعامل کمک می‌کند تا درک متقابل بهتر صورت بگیرد و اشتراکات فرهنگی برای رابطه دوطرفه بیشتر شود. بنابر شواهد تاریخی می‌توان فعالیت‌های نهاد تشیع شیعی را در این حوزه به دو بخش مهم تقسیم‌بندی کرد: ۱- ارتباطات یک‌طرفه ۲- ارتباطات دوطرفه.

در ارتباطات یک‌طرفه، نهاد تشیع با استفاده از فناوری‌های ارتباطاتی تلاش دارد تا پیام‌های ایمانی خود را به مخاطبین اسلامی و غیراسلامی برساند. در این مدل از دیپلماسی، نهاد تشیع با استفاده از ابزارهای جدید مانند رادیو، تلویزیون، روزنامه، نشریات و مؤسسات فرهنگی و اجتماعی پیام خود را به مخاطبین ملی و فراملی ارسال می‌کند. فتاوی مراجع تقلید و احکام جهاد و مقاومت در برابر اشغالگران از نمونه فعالیت‌های یک‌سویه نهاد تشیع است که مبتنی بر ایمان مقلدان صورت‌بندی شده است. فتاوی مراجع که معمولاً به صورت

<sup>۱</sup>. Cultural diplomacy

امری و در غالب بایدها و نبایدها ارائه می‌شود، با فناوری‌های رسانه‌ای جدید و شبکه روحانیان در جغرافیای شیعه انتشار می‌یابد. همچنین فتوای مراجع به مقاومت و مقابله با اشغالگران و ظالمان معمولاً به شکل‌گیری و بسیج جنبش‌های اسلامی منجر می‌شود که تأثیر مهمی در معادلات منطقه‌ای و جهانی دارد (سمیعی، ۱۳۹۷: ۱۰۵-۱۲۴). نهاد تشیع در ارتباط دوطرفه تلاش می‌کند کنش‌های گفت‌وگویی را گسترش بدهد و با استفاده از عوامل مشترک هویتی و فرهنگی-اجتماعی بر ادراک و اذهان مقلدان تأثیر بگذارد و اهداف و منافع خود را پیگیری کند. در این مدل از دیپلماسی مبتنی بر ایمان، نهاد تشیع با استفاده از برنامه‌های تبادل فرهنگی و آموزشی و استفاده از فناوری‌های جدید و بهره‌جستن از شبکه‌های اجتماعی سعی دارد تا با نخبگان و شهروندان کشورهای مختلف ارتباط برقرار کند و اهداف و منافع خود را پیگیری نماید. مخاطبین این مدل شامل سازمان‌های دولتی، نهادهای غیردولتی و افراد حقیقی هستند. از یک‌سو روحانیانی که به‌عنوان نماینده مراجع به کشورهای مختلف اعزام می‌شوند با ارتباط برقرار کردن با شهروندان و نخبگان در گفتگوها و پرسش‌وپاسخ‌ها به تبیین نظر مراجع در موضوعات مختلف می‌پردازند و موجب تقویت رابطه دوسویه میان افکار مؤمنانه و مراجع می‌شوند. از سوی دیگر، نهاد تشیع با دعوت از نخبگان کشورهای مسلمان و غیرمسلمان در مجامع تقریب و یا مشارکت در همایش‌های مختلف دنیا سعی می‌کند روابط خود را با افراد و گروه‌های مختلف گسترش بدهد و با این کار نفوذ خود را میان ملت‌ها افزایش بدهد (واعظ‌زاده خراسانی، ۱۳۷۹). همچنین نهاد تشیع به‌طور تاریخی نقش میانجی میان دولت‌ها و ملت‌ها دارد که با تحکیم جایگاهش در میان شهروندان به‌عنوان یک نهاد غیردولتی قابلیت آن را پیدا می‌کند که مشکلات میان مردم و دولت‌های‌شان را مدیریت کند (جعفریان، ۱۳۸۱).

## ۷-۲. دیپلماسی مبادله<sup>۱</sup>

نص قرآن و کلام شیعی، جایگاه ویژه‌ای را برای کرامت انسان‌ها و رعایت حقوق مخالفان قائل است. نهاد تشیع معتقد است صلح و همزیستی در صورتی محقق می‌شود که طرف مقابل نیز خواستار آن باشد و براین اساس، صلح در اندیشه شیعی به معنای «همزیستی شرافتمندانه» است (مطهری، ب ت: ۱۸). دیپلماسی مبادله، تلاش یک بازیگر/گروه برای مدیریت محیط بین‌المللی با اعزام اعضای خود به فرای مرزهای ملی و پذیرش اعضای گروه رقیب در جامعه خود برای یک دوره مطالعات آموزشی و یا فرهنگی است (Cull, 2008: 33). این مدل از دیپلماسی موجب شکل‌گیری الگوی ارتباطی رودررو می‌شود که به‌صورت بالقوه توانایی تغییر تصویر دیگران از جامعه هدف را دارد. چنین مدلی توانایی تغییر نگرش نخبگان در جامعه هدف را دارد و می‌تواند شبکه ارتباطی پایداری در آن جامعه ایجاد کند. نای استدلال می‌کند ابتکارات آموزشی در جعبه ابزار دیپلماسی عنصر بسیار مهمی از قدرت نرم است که نهادهای دولتی و غیردولتی از آن در جهت منافع خود در کشور موردنظر استفاده می‌کنند (Nye, 2004: 59). به همین دلیل، نهاد تشیع با استفاده از راهبرد دیپلماسی آموزشی مانند ساخت مساجد، حوزه‌های علمیه و نهادهای آموزشی در سراسر جهان سعی دارد تا به فعالیت‌های تبلیغی بپردازد. این نهاد با هدف ترویج ارزش‌های اعتقادی شیعه، مبلغان و طلاب را به کشورهای مختلف می‌فرستد. ورود فناوری‌های جدید و گسترش ارتباطات موجب شد تا فضای دیپلماسی سنتی که فقط در اختیار دولت‌ها بود، شکسته شود و تعامل نهادهای غیردولتی به تعاملات انحصاری بین دولت‌ها افزوده شود. نهاد تشیع در این چارچوب با استفاده از دیپلماسی آموزشی موجب تولید اعتبار و شهرتی می‌شود که می‌تواند بر نخبگان دیگر کشورها تأثیر بگذارد و جذابیت لازم را برای گسترش نفوذ خود در کشور هدف

<sup>۱</sup>. Exchange diplomacy

مهیا کند. برنامه‌های آموزشی و تبادل دانشجو و طلبه در اجتماعات شیعه، دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه شیعیان موجب می‌شود آن‌ها به‌عنوان حاملان فرهنگ، زمینه‌های مشترک فرهنگی و ارزشی را ایجاد کنند.

### ۷-۳. دیپلماسی حمایتی<sup>۱</sup>

از جمله ابتکارات دیپلماسی عمومی نهاد تشیع «دیپلماسی کمک» به مسلمانان کشورهای مختلف است که رسماً با عنوان دیپلماسی حمایتی شناخته می‌شود. برنامه‌های حمایتی این نهاد بیشتر بر قشرهای ضعیف و نیازمند جامعه در کشورهای مسلمان و به‌خصوص شیعیان متمرکز است. دیپلماسی حمایتی به هرگونه انتقال منابع عمومی از یک کشور به کشور دیگر به منظور بهبود وضعیت انسانی در کشور هدف است (Lancaster, 2008: 9). دیپلماسی حمایتی یکی از جدیدترین مفاهیم در روابط بین‌الملل است. هانس مورگنتا «دیپلماسی کمک» را به‌عنوان یکی از نوآوری‌های مهم عصر جدید در اعمال سیاست خارجی می‌داند (Morgenthau, 1962). در ادبیات اسلامی و شیعی تصویب به‌نسبت روشن و یکدستی برای کمک به محرومان و تهیدستان در جامعه اسلامی وجود دارد. در طول تاریخ، صدقه، زکات، وقف، مالیات‌های اسلامی، خیریه‌ها، نذورات و به‌ویژه «سهم سادات» که محل هزینه آن - به گفته صاحب جواهر - تنها به کسانی تعلق می‌گیرد که از طرف پدر به هاشم بن عبدمناف برسند (نجفی، ۱۴۰۴: ۹۰)، از مهم‌ترین منابع نهادهای اسلامی برای کمک به فقرا و رنج‌دیدگان شیعه بود. از سوی دیگر، برای بسیاری از سازمان‌های غیردولتی شیعه، مشارکت آن‌ها در ارائه کمک‌ها نه تنها با تمایل به ابراز همدردی نسبت به شیعیان محروم است، با انگیزه به چالش کشیدن هژمونی‌های رقیب انجام شده است. این باور بر پایه این مفروض قرار دارد که بسیاری از سازمان‌های غربی در مناطق محروم جهان به اسم کمک به محرومان به‌صورت پنهان یا آشکار به‌عنوان مَبْلَغ تلاش می‌کنند از راه فعالیت‌های امدادی و رفاهی - اجتماعی خود به ترویج اندیشه‌های مسیحی بپردازند (Petersen, 2012: 767). در نتیجه می‌توان گفت نه تنها یکی از اهداف مهم سازمان‌های مردم‌نهاد شیعی ارائه کمک به محرومان است، مقابله با نفوذ سازمان‌های غیردولتی مسیحی / سکولار غربی نیز به‌منظور حفظ ایمان و هویت شیعی خواهد بود. به بیان بهتر، دیپلماسی حمایتی نهاد تشیع یک واکنش متقابل علیه دشمنان این نهاد غیردولتی است که از زمان امام صادق (ع) در قالب «سازمان وکالت» فعال بود (جباری، ۱۳۸۲). آن‌ها با صرف این منابع در حمایت از شیعیان و ارائه خدمات، فشارها علیه گروه‌های شیعه محروم را خنثی و سپس وفاداری آن‌ها را به این نهاد بر پایه تألیف قلوب هدایت می‌کنند. مهم‌ترین اهدافی که دیپلماسی حمایتی دنبال می‌کند، نزدیکی قلوب مسلمانان به نهاد تشیع و افزایش حوزه نفوذ اجتماعی نهاد تشیع است؛ چراکه این نهاد را با لایه قشرهای محروم جوامع دیگر پیوند می‌دهد. همچنین اهداف راهبردی شیعه را با تغییر افکار عمومی به نفع نهاد تشیع افزایش می‌دهد و این نهاد را در تماس مداوم با توده‌ها نگه می‌دارد. نهادهای خیریه بین‌المللی شیعیان که به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی با هدف کمک به شیعیان لبنان، عراق، افغانستان، یمن، مصر و... شکل گرفته است، در این راستا ارزیابی می‌شود.

### ۸. نتیجه‌گیری

قدرت نرم یک بازیگر در نظام بین‌المللی (اعم از دولتی یا غیردولتی) به میزان قابل توجهی از همکاری‌ها و تعامل درست با دیگر کنشگران اجتماعی، جامعه مدنی و صاحبان اندیشه مایه می‌گیرد. در تبیین مبانی و ریشه‌های قدرت نرم باید به نقش مذهب و باورهای جمعی اشاره کرد که تأثیر فزاینده‌ای بر کنش‌های افراد در جامعه دارد. در این پژوهش سعی شد تا همخوانی و سازگاری بنیان‌های فکری فرهنگ

<sup>۱</sup>. Aid diplomacy

سیاسی شیعی با زمینه‌های ساخت و توسعه قدرت نرم در یک چشم‌انداز نظری و بر مبنای ادبیات دیپلماسی مبتنی بر ایمان در روابط بین‌الملل ارزیابی شود. با توجه به آنچه گفته شد، این مقاله نشان داد نهاد تشیع با استفاده از منابع و ظرفیت قدرت نرم چگونه نفوذ خود را افزون در سطوح فراملی و ورای مرزهای ملی گسترش می‌دهد و در جهان پیرامونی خود چگونه موازنه‌سازی‌های نیرومند می‌کند. برای رسیدن به این مقصود، مقاله حاضر به لحاظ نظری نشان داد روحانیت شیعه با بهره‌گیری از اصول «دیپلماسی فرهنگی» چگونه شبکه ارتباطی را میان نخبگان و افراد تاثیرگذار در کشورهای دیگر ایجاد می‌کند تا از این طریق اهداف خود را میان شهروندان و حاکمان محیط‌های پیرامونی اجرایی کند. همچنین در این چارچوب استدلال شد که نهاد تشیع چگونه با بهره‌بردن از قابلیت‌های مذهب تشیع، زنجیره ارتباطی و هویت مشترکی را بین گروه‌های شیعه ایجاد می‌کند و در ادامه چگونه با گسترش شبکه ارتباطی خود در جامعه مسلمانان و حتی غیرمسلمانان، قدرت خود را به‌عنوان یک سازمان غیردولتی و در قالب «دیپلماسی مبادله‌ای» تثبیت می‌کند. نهاد تشیع با استفاده از فناوری‌های جدید، توسعه کمی و کیفی نهادهای آموزشی، مؤسسات فرهنگی و گسترش سازمان‌های خیریه‌ای در کشورهای مختلف سعی دارد دیپلماسی فرهنگی خود را توسعه بدهد. در پایان، این مقاله استدلال می‌کند: «دیپلماسی حمایتی» نهاد تشیع در عمل از یک سو کمک می‌کند هویت واحد شیعیان جهان قوام بگیرد و از سوی دیگر این نهاد را در تماس مداوم با توده‌ها نگه می‌دارد و زمینه را برای استفاده از این ظرفیت در کنشگری‌های مبتنی بر بسیج توده‌های شیعه فراهم می‌کند. آنچنان که مقاله نشان داد، نهاد تشیع با تبلیغ ارزش‌های هنجاری جهان‌شمول خود مانند «عدل» و «امامت» که از ایمان در فرهنگ سیاسی شیعی برآمده است و بر مبنای آموزه‌های خود در موضوع جنگ و جهاد تلاش دارد گفتمان مقاومت و استکبارستیزی را میان شهروندان کشورهای مختلف تقویت کند که این کنش‌ها موجب تعمیق روابط شیعیان و مخالفان نظم موجود در منطقه و جهان در قالب «محور مقاومت» و تشکیلات چندملیتی برای دفاع از حرم‌های شیعیان شده است. از این منظر تشیع با استفاده از ویژگی‌های خاص خود از جمله توانایی توسعه در ژئوپلیتیک‌های مختلف، سازگاری با شرایط متغیر، ساختار انعطاف‌پذیر و امکان ارتباط فراسوی مرزهای ملی همواره سعی در حفظ مشروعیت خود در برابر دولت‌ها داشته است. مجموعه این ویژگی‌ها موجب شده است نهاد تشیع به‌عنوان یک بازیگر غیردولتی همواره نقش حیاتی و تأثیرگذاری را فرای مرزهای ملی داشته باشد.

## منابع

- ابن بابویه، محمد بن علی [شیخ صدوق] (۱۹۶۶ م). *علل الشرايع*. جلد اول. نجف: مکتب‌الحیدریه.
- اسکندری فاروجی، آقاسینی (۱۳۹۴). *کار بست دیپلماسی عمومی در صدور انقلاب اسلامی*. مطالعات انقلاب اسلامی، ۴۳ (۱۲)، ۷-۲۶.
- اسلامی، روح‌الله (۱۳۹۳). *دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در بیداری اسلامی*. *حقوق ملل*، ۹ (۳)، ۵۲۳-۵۶۰.
- جباری، محمدرضا (۱۳۸۲). *سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه (ع)*. جلد ۱. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۱). *برگ‌هایی از تاریخ حوزه علمیه قم*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۰). *انتظار بشر از دین*. قم: اسراء.
- چیلکوت، رونالد (۱۳۷۷). *نظریه‌های سیاست مقایسه‌ای*. ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- حقیقت، سید صادق (۱۳۸۱). *توزیع قدرت در اندیشه سیاسی شیعه*. تهران: هستی‌نما.
- حلی (۱۳۹۸). *کشف‌المراد شرح تجرید الاعتقاد خواجه نصیرالدین طوسی*. ترجمه و شرح ابوالحسن شعرانی. تهران: انتشارات کتاب‌فروشی اسلامیه.
- الحمیدی، سیدناهر هاشم (۱۳۸۳). *در انتظار ققنوس، کاوشی در قلمرو و موعودشناسی و مهدی‌باوری*. ترجمه مهدی علیزاده. قم: مؤسسه امام خمینی.
- خرمشاد، محمدباقر و بیکی، مهدی (۱۳۸۸). *قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران*. تهران: دانشگاه امام صادق.
- خمینی، سید روح‌الله (بی‌تا). *تحریر الوسیله*. ج ۱. قم: اسماعیلیان.

- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۱). *تحریر الوسیله*. ترجمه علی اسلامی. ج ۲. قم: جامعه مدرسین.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۹). *صحیفه نور*. ج ۹. تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۹). *البیع*. الجزء الرابع. چاپ اول. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸). *ولایت فقیه (حکومت اسلامی)*. چاپ نهم. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- داداندیش، پروین و احدی، افسانه (۱۳۹۰). جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. *روابط خارجی*، ۳(۹)، ۱۴۳-۱۷۳.
- درخشه، جلال و غفاری، مصطفی (۱۳۹۰). دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام فرصت‌ها، اقدامات، اولویت‌ها و دستاوردها. *مطالعات فرهنگ - ارتباطات*، ۱۲(۱۶)، ۹-۴۵.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و فیروزی، علیرضا (۱۳۹۱). دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در دوران اصول‌گرایی. *روابط خارجی*، ۴(۲)، ۷۱-۱۰۹.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۷۶). *معرکه جهان‌بینی‌ها*. تهران: احیاء کتاب.
- زارعی، محمدحسین (۱۳۸۳). حکمرانی خوب، حاکمیت و حکومت در ایران. *نشریه تحقیقات حقوقی*. ۴۰.
- زرگری‌نژاد، غلامحسین (۱۳۹۰). *رسایل مشروطیت*. جلد دوم. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- سمیعی، محمد (۱۳۷۹). *نبرد قدرت در ایران: چرا و چگونه روحانیت برنده شد؟*. تهران: نشرنی.
- شیر، غلام (۱۳۸۸). بررسی تطبیقی دفاع مشروع از دیدگاه فقه و حقوق بین‌الملل. *رساله کارشناسی ارشد در مدرسه تخصصی فقه و اصول*.
- صابریان، علیرضا (۱۳۸۶). مشارکت سیاسی در نظام اسلامی، حق یا تکلیف، دین و سیاست، ۱۳-۱۴.
- طالقانی، محمود (۱۳۶۲). *پرتوی از قرآن*. جلد پنجم. چاپ چهارم. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۴). *بنیادهای علم سیاست*. چاپ سیزدهم. تهران: نشرنی.
- عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۷۹). *اندیشه سیاسی اسلام*. مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۸۶). *مبانی اندیشه سیاسی اسلام*. چاپ پنجم. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- عنایت، حمید (۱۳۷۲). *اندیشه سیاسی در اسلام معاصر*. تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- عنایت، حمید (۱۳۸۶). *بنیاد فلسفه سیاسی در غرب (از هراکلیت تا هابز)*. به اهتمام حمید مصدق. تهران: زمستان.
- فیرحی، داود (۱۳۸۶). *نظام سیاسی و دولت در اسلام*. چاپ پنجم. تهران: سمت.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸). *فروع کافی*. جلد پنجم. ترجمه محمدحسین رحیمیان. قم: قدس.
- متقی، ابراهیم و شایسته (۱۳۹۶). دیپلماسی عمومی ایران؛ ظرفیت‌ها و چالش‌ها. *مطالعات منافع ملی*، ۸(۲)، ۲۹-۵۵.
- محمد بن حسن، ابوالحسن [سیدرضی] (۱۳۸۶). *نهج البلاغه*. ترجمه محمد دشتی. قم: مؤسسه انتشارات دارالعلم.
- معرفت، محمد هادی (۱۳۷۷). *ولایت فقیه*. قم: یاران.
- مطهری، مرتضی (ب.ت). *جهاد و موارد مشروعیت آن در قرآن*. تهران: صدرا.
- نادری، محمدمهدی (۱۳۹۰). حکمرانی خوب؛ معرفی و نقدی اجمالی. *اسلام و پژوهش‌های مدیریتی*، ۱(۱).
- نأیینی، آقا شیخ محمدحسین (۱۳۶۰). *تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله یا حکومت از نظر اسلام*. با مقدمه و توضیحات سید محمود طالقانی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- نجفی، جوهر/الکلام (۱۴۰۴ ق). جلد ۱۶. بی‌جا.
- نراقی، ملا احمد (۱۳۸۷). *معراج‌السعاده*. تهران: ولی عصر (عج).
- واعظزاده خراسانی، محمود (۱۳۷۸). *زندگی آیت‌الله بروجردی*. تهران: مجمع جهانی جهان اسلام.



هادیان، ناصر و ایرانفر، محمدمهدی (۱۴۰۱). سطح متراکم دیپلماسی عمومی شیعی و ارتباطات استراتژیک جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۵(۹۶)، ۳۰۰-۳۷۱.

یزدان‌فام، محمود (۱۳۹۳). دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- Appleby, R. S., & Philpott, D. (2006). Conclusion: Reconciliation and realism. *The politics of past evil: Religion, reconciliation and the dilemmas of transitional justice*, 223-241.
- Barnett, M. N. (1997). Bringing in the new world order: Liberalism, legitimacy, and the United Nations. *World Politics*, 49(4), 526-551.
- Checkel, J. T. (1999). Norms, institutions, and national identity in contemporary Europe. *International studies quarterly*, 43(1), 83-114.
- Cox, B., & Philpott, D. (2003). Faith-based diplomacy: An ancient idea newly emergent. *The Brandywine Review of Faith & International Affairs*, 1(2), 31-40.
- Cull, N. J. (2008). Public diplomacy: Taxonomies and histories. *The Annals of the American Academy of Political and Social Science*, 616(1), 31-54.
- Drzewiecka, J. A., & Hasian, M. (2018). Discourses of the wound and desire for the Other: remembrances of the Katyń massacre and the Smoleńsk crash. *Review of Communication*, 18(3), 231-248.
- Finnemore, M., & Sikkink, K. (1998). International norm dynamics and political change. *International Organization*, 52(4), 887-917.
- Fox, J., Sandler, S., & Sandier, S. (2004). *Bringing Religion into International Relations* (pp. 9-10). New York: Palgrave Macmillan.
- Haas, P. M. (1993). Epistemic communities and the dynamics of international environmental cooperation. *Regime Theory and International Relations*, 168(201), 1-36.
- Hägel, P., & Peretz, P. (2005). States and transnational actors: who's influencing whom? A case study in Jewish diaspora politics during the Cold War. *European Journal of International Relations*, 11(4), 467-493.
- Higgott, R. A., Underhill, G. R., & Bieler, A. (Eds.). (2000). *Non-state actors and authority in the global system*.
- Johnston, D. (Ed.). (2003). *Faith-based diplomacy: Trumping realpolitik*. Oxford University Press, USA.
- Johnston, D. M. (2011). *Religion, Terror, and Error: US Foreign Policy and the Challenge of Spiritual Engagement: US Foreign Policy and the Challenge of Spiritual Engagement*. ABC-CLIO.
- Johnston, D. M., & Cox, B. (2016). Faith-based diplomacy and preventive engagement. *International relations and religion; volume 3: Religion and peace*, 179-196.
- Keck, M. E., & Sikkink, K. (1998). *Activists beyond borders: Advocacy networks in international politics*. Cornell University Press.
- Korey, W. (1998). *NGOs and the Universal Declaration: A Curious Grapevine*. New York: St. Martins.
- Kubáľková, V., Onuf, N., & Kowert, P. (Eds.). (1998). *International relations in a constructed world*. ME Sharpe.
- Lancaster, C. (2008). *Foreign aid: Diplomacy, development, domestic politics*. University of Chicago Press.
- Loskota, B., & Flory, R. (2013). Why religion still matters in the world. In *Religion and Public Diplomacy* (pp. 9-25). New York: Palgrave Macmillan US.
- Morgenthau, H., & Nations, P. A. (1948). *The struggle for power and peace*. Nova York, Alfred Kopf.
- Morgenthau, H. (1962). A political theory of foreign aid. *American Political Science Review*, 56(2), 301-309.
- Nye Jr, J. S. (2004). Soft power and American foreign policy. *Political Science Quarterly*, 119(2), 255-270.
- Ociepka, B. (2018). Public diplomacy as political communication: Lessons from case studies. *European Journal of Communication*, 33(3), 290-303.
- Pamment, J. (2012). *New public diplomacy in the 21st century: A comparative study of policy and practice*. Routledge.
- Petersen, M. J. (2012). Trajectories of transnational Muslim NGOs. *Development in Practice*, 22(5-6), 763-778.
- Philpott, D. (2006). Beyond Politics as Usual: Is Reconciliation Compatible with Liberalism?. *The politics of past evil: Religion, reconciliation, and the dilemmas of transitional justice*, 10-44.
- Robertson, R. (1989). *Globalization, Politics and Religion*.—James Beckford & Thomas Luckmann (eds.). The Changing Face of Religion.

- Seiple, C. (2007). *Memo to the state: Religion and security*.
- Thomas, S., Tutu, D., & Tutu, D. M. (2005). *The global resurgence of religion and the transformation of international relations: The struggle for the soul of the twenty-first century* (p. 235). New York: Palgrave Macmillan.
- Troy, J. (2008). Faith-based diplomacy under examination. *The Hague Journal of Diplomacy*, 3(3), 209-231.
- Walt, S. M. (2002). American primacy: Its prospects and pitfalls. *Naval War College Review*, 9-28.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی